



رابطه سلامت جامعه با پاسخگویی به تمایلات طبیعی و فطری انسان

یکی از راه جلوگیری از انحرافات اجتماعی این است که طبق دستورات دین اسلام، محیط را طوری آرایش دهیم که غرائز روبه انحراف نرود

یکی از راه جلوگیری از انحرافات اجتماعی این است که طبق دستورات دین اسلام، محیط را طوری آرایش دهیم که غرائز روبه انحراف نرود تا علاوه بر حفظ سلامت روانی افراد، اجتماع نیز با سلامت کامل روانی به پیش رود و این همه عصبانیت و پرخاشگری، عصیانگری و نابسامانی وجود نداشته باشد. به گزارش خبرگزاری مهر، انسان موجودی است که با تمایلات و غرائز گوناگون عجين شده، به طوری که تا این تمایلات و غرائز از راه صحیح ارضا و اقناع نشود و زمینه برای رفع نیازهای مادی و معنوی او ایجاد نگردد انسان به کمال نمی رسد. چنان که اگر جامعه ای از راه صحیح و قانونی به تمایلات و نیازهای اصلی توجه نکند و برای ایجاد شرایط مناسب اقدام ننماید و به جای توجه به عوامل گوناگون کنشها و واکنشها و انگیزه های رفتار انسان ها خود را با معلولها مشغول سازد، به جای کشف علل و عوامل وقایع و حوادث روانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و غیره به شناسایی درست تنگناها و معضلات و یافتن راه حل های مناسب در جهت رفع آنها، به دنبال هدف های ذهنی باشد و به طرح و برنامه های غیر عملی بپردازد، آینده تاریک و بدی را در پیش رو خواهد داشت.

اگر جامعه ای به جای پاسخگویی مناسب به تمایلات طبیعی انسانها آنها را سرکوب نماید نه تنها تمایلات از بین نخواهد رفت، بلکه تشدید شده و از طریق نامطلوب دچار انفجار خواهند شد و از راه ناصحیح و غیر قانونی ظهور و بروز خواهند نمود. باید در نظر داشت همان قدر که توجه به خود ارزش ها مهم است، التفات به شیوه اجرایی و تکنیک های کاربری آنها نیز بسیار مهم است و چنانچه با بصیرت و آگاهی و با روش یعنی با دانش، بینش و توانایی مناسب انجام نگیرد نه تنها نتایج مفید حاصل نخواهد شد، بلکه ممکن است از جهت و با جهت مختلف بازدهی منفی داشته باشد و تاثیر نامطلوبی بگذارد. در این صورت نه تنها مشکلی حل و گرهی گشوده نخواهد شد، بلکه نتایج بسیار بدی به جای می گذارد و منجر به بی اعتباری و تحریف در يك امر بسیار مهم یعنی ارزشهای انسانی می شود.

این همان انحراف از مسیر اصلی و قانونی تکامل است که فرجام بد و عاقبتی ذلت بار خواهد داشت، که دیر یا زود موجب متلاشی شدن آن جامعه و ناکامی افراد آن می شود. زیرا آنجاکه ارزشها مقلوب گردد، انسانها تغییر ماهیت می دهند و در زمره حیوانات که نه، بلکه به تعبیر قرآن در زمره "بل هم اضل" قرار می گیرند.

این نکته جالب توجه و شایان ذکر است که با اهمیت دادن و عمل به ارزش هاست که زمینه برای ظهور هدایت فطری فرد و اجتماع و ارضای تمایلات و غرائز انسان از راه صحیح حاصل می شود. با اینکه امکان انجام این کار را به لحاظ پیچیدگی انسان و روابط انسانی و حفظ تعادل بسیار مشکل است، اما با الهام و استمداد از راهنماییهای ادیان الهی و اهمیت دادن به ارزشهای انسانی سهل الوصول می شود. چون مصلحت واقعی با ایجاد هماهنگی لازم میان ظاهر و باطن روح و جسم انسان تحقق می پذیرد.

رشد فکری و بعضی از جوانب دیگر نیز با آموزش درست و تربیت صحیح به مفهوم وسیع انجام می گیرد. بالاخص اگر این آموزش در مورد ارزش های انسانی باشد و چون کمال و بهبود وضع اجتماع و پرورش انسانهای با شخصیت و حفظ تعادل روانی و جسمانی، مادی و معنوی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط مضر با عنایت و التفات به ارزش های انسانی میسر است.

پس روی این اصل اگر حقیقتاً میل داشته باشیم غرائز افراد به سوی خلاف منحرف نگردد و تعدیلی در تمام امور زندگی بوجود آید، باید طبق دستورات دین اسلام، محیط را طوری آرایش دهیم که غرائز رو به انحراف نرود تا علاوه بر حفظ سلامت روانی افراد، اجتماع نیز با سلامت کامل روانی به پیش رود و این همه عصبانیت و پرخاشگری، عصیانگری و نابسامانی افراد بر طرف گردد.

از طرف دیگر انسان موجودی ناشناخته و پیچیده است به قدری که حتی می تواند جامع اضداد بوده و در عین تضاد میان درون و بیرون، ظاهر و باطن را هماهنگ و یکسان نمایان سازد. به این معنا که در ظاهر خندان باشد و در باطن بگرید در حالی که در باطن دشمن است، در ظاهر خود را دوست نشان دهد. با اینکه در باطن خائن است ولی در ظاهر امین نماید. به این جهت در علاج و درمان دردها همان طوری که به تاثیر اجتماع و محیط و عوامل دیگر توجه می گردد، باید بیش از همه به خود انسان توجه گردد به گونه ای که بتواند با ایجاد تغییر و تحول درونی و روحی در خویشتن، با اراده و عزم راسخ و تلاش پیگیر، خود به مسیر مستقیم و راه راست ادامه دهد و یا از انحراف باز گردد.